

مروان برغوتی از درون زندان سخن می گوید

مروان برغوتی، دبیر اول سازمان الفتح در ساحل غربی و نماینده ی مجلس فلسطین شش ماه است که در زندان اسرائیل بسر می برد. سوم اکتبر دادگاه او آغاز شد. تلاش وی و وکلای مدافع اش این است که این دادگاه را به تریبونی علیه اسرائیل تبدیل کنند. از بین وکلای مدافع او می توان به خانم ژیزل حلیمی فمینیست معروف و وکیل فرانسوی انقلابیون الجزایر در سال های 60-1950 و مسؤول کمیته ی نجات جمیله بوپاشا اشاره کرد. وی که خود یهودی تبار است با شور و قاطعیتی تمام به دفاع از مروان برغوتی برخاسته است. در سوم اکتبر یک وکیل مدافع اسرائیلی هم به نام «شامای لیووویچ» به جمع وکلای مدافع پیوست و در حضور خبرنگاران، در حالی که شبکه لایو یهودی اش را بر سر داشت اعلام کرد که برغوتی را مردی حساس، صمیمی و متکی به خود و مبارز راه آزادی ملت فلسطین می شناسد. لیووویچ مروان برغوتی را که خواستار رهانیدن ملت خویش از ستم است، به موسی پیامبر یهود تشبیه کرد و افزود موسی مبارز راه آزادی بود و جملاتی در تورات هست مبنی بر اینکه او با سلطه ی فرعون جنگید هر چند خون های فراوانی در این راه ریخته شد. شایان ذکر است که همسر برغوتی نیز وکیل مدافع است ولی با اینکه برای این حرفه در اسرائیل مجاز بوده، دولت اسرائیل به او اجازه نداده است که جزو هیأت دفاع باشد.

انجمن واقعیات خاور میانه که این مصاحبه را پخش کرده می نویسد:

مروان برغوتی از نسلی ست که پس از یاسر عرفات در راه اهداف جنبش ملی فلسطین و مقاومت در برابر اشغال نظامی اسرائیل به مبارزه برخاسته است. او 43 ساله و از نسل انتفاضه است و معروف به شجاعت و پابندی به اصول. نلسون ماندلا صریحاً در حمایت از وی سخن گفته و برغوتی را دارای همان موقعیتی شمرده که خودش طی 27 سال زندان آپارتاید در آفریقای جنوبی داشته است. ماندلا حتی اظهار داشته است که مایل است در دادگاه برغوتی حضور داشته باشد. امید می رود که رهبران و حقوقدانان هر چه بیشتری در سراسر جهان از سرمشق ماندلا پیروی کنند. بگذار دادگاه انتفاضه آغاز شود و دنیا درباره ی برغوتی، این مرد شجاع و مبارزه ی عادلانه ی او چیزهای بیشتری ببیند و بشنود.

مصاحبه با مروان برغوتی

هرالد تریبون - آتن - 30 سپتامبر 2002

مصاحبه کننده پتروس پاپاکستانتینو - کاتری مینی



مروان برغوتی را باید تجسم انتفاضه شمرد. هم میهنان اش به خاطر نقشی که در رهبری انتفاضه علیه نیروهای اشغالگر اسرائیلی ایفا کرده به او احترام می گذارند. او همواره در مبارزه ی خونین مردم فلسطین به ویژه در رام الله در صف مقدم بوده و همه ی سازمان های فلسطینی، از اسلامی گرفته تا چپ های مارکسیست به او با دلبده ی احترام می نگرند. او نه به فساد آلوده است و نه در برابر اسرائیلی ها و آمریکایی ها از خود تسلیم طلبی نشان داده است. به زبان های عربی، عبری و انگلیسی سخن می گوید و از وی به عنوان یکی از محتمل ترین جانشینان عرفات نام می برند. نخستین مصاحبه ی ما با او دو سال پیش صورت گرفت، درست چند هفته پیش از انتفاضه ی دوم و در جریان تظاهراتی که به درگیری بین مبارزان فلسطینی و نیروهای اسرائیلی انجامید. این بار ما نمی توانسته ایم با او رودررو صحبت کنیم زیرا از 15 آوریل گذشته در زندان بسر می برد. ولی توانسته ایم راهی بیابیم که نخستین مصاحبه ی خود را پس از دستگیری، از درون زندان همداریم در نزدیکی تل اوویو با رسانه های بین المللی به انجام رساند. مروان می گوید عشق به آزادی و استقلال از هر نیروی مسلحی قدرتمندتر است و دلیل آن این است که حکومت فاشیستی شارون در فرونشاندن انتفاضه و ایجاد امنیت برای سیاست اشغالگرانه ی اسرائیل شکست خورده است.

سؤال: شش ماه است که در زندان اسرائیل بسر می برید. وضعیت زندان چگونه است؟

جواب: مرا در شهر رام الله که تحت کنترل فلسطین بود در 15 آوریل 2002 و در جریان محاصره ی ساحل غربی ربودند. نیروهای اشغالگر می خواستند ساختمانی را که من در آن اقامت داشتم ویران کنند و من لحظاتی پیش از آنکه هلی کوپترها و تانک ها موشک های خود را به ساختمان بکوبند از آن خارج شدم. مرا ربودند و برای بازجویی به مرکزی در بیت المقدس بردند و سپس به مرکزی دیگر در تل اوئو و سرانجام به یک مرکز نظامی در شمال اسرائیل.

حدود صد روز با شدت و خشونت تمام از من بازجویی کردند. مرا شکنجه کردند. بازوهایم را از پشت به صندلی بستند و چند روز به همین حال نگه داشتند. چند هفته ی پیاپی مرا از خواب محروم کردند و علاوه بر باران تحقیر و دشنام، مرا از نظر روانی و جسمی تحت فشار قرار دادند. این روش ها را هم اکنون علیه صدها و هزاران زندانی فلسطینی اعمال می کنند. در حال حاضر حدود 8 هزار زندانی سیاسی فلسطینی در اسرائیل، اوضاعی بسیار دشوار را تحمل می کنند.

چند هفته است که مرا به زندان هدرایم در شمال تل اوئو آورده اند و با یک نفر دیگر در یک سلول بسر می برم. همه ی زندانیان اینجا از ملاقات با خانواده محروم اند. تا کنون اجازه نداده اند که مادرم، زنم و فرزندانم را ببینم. در 5 سپتامبر که برای نخستین بار مرا به دادگاه بردند سه تا از فرزندانم آمده بودند که مرا ببینند و علی رغم فریادشان نتوانستند به من نزدیک شوند و من نتوانستم آن ها را در آغوش گیرم.

سؤال: دولت اسرائیل شما را متهم می کند که مسؤول عملیات انتحاری و اقدامات دیگر علیه غیرنظامیان هستید. پاسخ شما چیست؟

جواب: تمام اتهامات اسرائیل همگی جعلی ست و من حاضر به گفتگو درباره ی آن ها نیستم. به دلایل مختلف، متأسف ام دولتی که خود را «تنها دموکراسی» خاور میانه می نامد دادگاهی فرمایشی ترتیب می دهد که هدف از آن نه حقیقت و عدالت، بلکه آرام کردن توده های مردم اسرائیل است که حاضر نیستند بین سیاست های خشونت آمیز خود و خشونت که ما فلسطینی ها تجربه می کنیم هیچ رابطه ای ببینند.

مرا نیز مانند پرزیدنت عرفات سپربلا قرار داده اند. دادگاه من حادثه ای نمایشی ست تا رهبران فاسد و بی بصیرت اسرائیل بی لیاقتی های خود را بیوشانند. کسانی باید محاکمه شوند که ده ها سال است به کشتار گسترده ی مردان، زنان و کودکان فلسطینی دست زده اند، قطعنامه های ملل متحد و چهارمین کنوانسیون ژنو را نقض کرده اند و از هر مجازاتی هم معاف بوده و هستند. ملت فلسطین که در عرصه ی بین المللی تنها و به حال خود رها شده، مانند هر ملت دیگر که زیر یوغ اشغال مسلحانه و کشوری بیگانه قرار گرفته باشد حق دارد از خود دفاع کند.

سؤال: پیش از سپتامبر 2001 مطبوعات غربی شما را طرفدار قراردادهای اسلو و راه حل مسالمت آمیز کشمکش اسرائیل - فلسطین می شناختند ولی

در جریان انتفاضه ی دوم شما به طرفدار پرشور مبارزه ی مسلحانه تبدیل شدید و موضعی سرسختانه علیه اسرائیلی ها گرفتید. چرا؟

جواب: همان طور که همگان می دانند سازمان آزادی بخش و رهبری فلسطین موافقت کردند که دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسند تا بر اساس برپایی دو دولت برای دو ملت و اجرای قوانین بین المللی به راه حلی تاریخی دست یابند. من شخصاً پس از کنفرانس صلح مادرید در سال 1991 به تلاش های صلح پیوستم و در ده ها کنفرانس و دیدار با هیأت های پارلمانی اسرائیلی و روشنفکران و دانشگاهیان، نویسندگان و شخصیت های اجتماعی و طرفداران صلح شرکت کردم. طرفی که تلاش های صلح را ناپود کرد و موافقت نامه های امضا شده را زیر پا گذارد دولت اسرائیل است که به خصوص پس از قتل نخست وزیر وقت اسحاق رابین در سال 1995، در دست یهودیان افراطی و جناح راست حزب لیکود است که هم اکنون در قدرت می باشد.

هیچ یک از دولت هایی که پس از رابین به قدرت رسیده اند به اسلو نپیوسته اند. شخصاً معتقدم که صلح ممکن است و تنها راه آن پایان اشغال و عقب نشینی کامل اسرائیل به مرزهای 1967 و برپایی دولت مستقل فلسطین است که پایتخت اش در آن بخش از بیت المقدس باشد که در 1967 اشغال شده است. علاوه بر این، باید راه حل عادلانه ای برای مسأله ی آوارگان بر پایه ی قطعنامه ی 194 شورای امنیت بیابیم.

هر کوششی برای پایان دادن به انتفاضه از طریق اعمال هرچه بیشتر زور و به کارگیری بی سابقه ی نیروی نظامی هیچ شانس برای موفقیت ندارد. قیام علیه اشغال سرزمین های فلسطینی نمایانگر جنبش استقلال طلبانه ی مردم فلسطین و آرزوی آنان برای نیل به آزادی و استقلال است. مردم فلسطین 10 سال مذاکره کردند بی آنکه چیزی از رنج ما یا اشغال و برپایی کولونی های مهاجرنشین کاسته شود، برعکس، اسرائیل شمار مهاجرنشین ها را که به طور غیرقانونی در سرزمین های فلسطینی برپا شده اند دوبرابر کرد. از وقتی شارون به قدرت رسیده ما با جنگ ناپود کننده ی فراگیری مواجه بوده ایم و تا زمانی که ما فلسطینی ها از آزادی و استقلال و حاکمیت ملی بر سرزمین مان و دولت مستقل خود بهره مند نگردیم، اسرائیل و مردم اسرائیل از امنیت و صلح برخوردار نخواهند شد.

سؤال: تشکیلات خودمختار فلسطین فراخوانی برای انتخابات در ژانویه ی آینده داده است آیا شما خود را مجدداً کاندیدا خواهید کرد؟

جواب: درباره ی انتخابات. به نظرم هیچ انتخاباتی نمی تواند تحت اشغال مسلحانه معنایی داشته باشد. آنچه در نظر ما مقدم بر هر چیز است عقب نشینی اسرائیل از مناطقی است که اخیراً اشغال کرده، آن وقت، منطقی است که درباره ی انتخابات صحبت کنیم. اما من پیش از آنکه بتوانم تصمیم بگیرم که در چنین انتخاباتی شرکت کنم باید صریحاً به چند سؤال جواب داد:

عضو پارلمان بودن چه فایده ای دارد اگر اسرائیل بتواند از کار این پارلمان ممانعت کند؟ چه فایده دارد از دموکراسی صحبت کنیم وقتی آزادی در کار نباشد؟ مردم مرا انتخاب کرده اند ولی در زندان بسر می برم و تحت کنترل اشغال فاشیستی و نژادپرستانه ی اسرائیل هستم. خب، فایده ی این انتخابات چیست؟

سؤال: آمریکا و دولت شارون هردو خواهان برکناری پرزیدنت عرفات و پیدایش یک رهبری جدید فلسطینی هستند. نظر شما چیست؟

جواب: باور من این است که انتفاضه درد زایمان دولتی فلسطینی و نیز یک رهبری نوین فلسطینی است. پرزیدنت عرفات خود را به مردم تحمیل نکرده، بلکه فلسطینی ها او را انتخاب کرده اند و تنها فلسطینی ها هستند که حق دارند رئیس جدیدی برای خود انتخاب کنند. با وجود این، طبیعی است که ما در سال های آینده شاهد نسل جدید و نوع جدیدی از رهبری باشیم که اهتمام آن در درجه ی اول مصروف کسب آزادی و استقلال و ایجاد دولت مدرن دموکراتیک فلسطین باشد که هیچ فسادى را تاب نیاورد و تفکیک قوا، دولت



قانون و پلورالیسم سیاسی را محترم بشمارد.

سؤال: بسیاری از رسانه های گروهی غرب پیش بینی می کنند که شما یکی از جانشینان عرفات هستید. این امر کی در دستور روز قرار می گیرد؟ آیا شما واقعاً چنین آرزویی دارید؟

جواب: تا آنجا که به من و خواست های من بر می گردد این است که اشغال به طور کامل پایان یابد و من موقعیت یک «شهروند» در یک دولت و جامعه ی دموکراتیک را داشته باشم. من می خواهم در تکامل این دولت مشارکت ورزم، دولتی که همه ی فلسطینی ها نسل ها ست که رؤیایش را در سر می پروراندند. همچنین می خواهم که این دولت در جوی از آرامش، امنیت و صلح تکامل یابد، صلحی که هردو مردم اسرائیل و فلسطین از آن بهره مند باشند.

سؤال: با توجه به اینکه انتفاضه پیامدهای وحشتناکی برای مبارزان و مردم فلسطین داشته و هیچ نوع دستاوردی هم به بار نیاورده، منظور از ادامه ی انتفاضه چیست؟

جواب: قانونی که بر انتفاضه حاکم است عبارت است از رد اشغال و مقاومت در برابر آن و بنا بر این، حاصل انتفاضه بسته به سرنوشت اشغال است. اگر توافق تضمین شده و زمان بندی شده ای برای عقب نشینی کامل اسرائیل از سرزمین های اشغالی سال 1967 (ساحل غربی و غزه و بیت المقدس شرقی) و برقراری دولت فلسطین در دست باشد، آنگاه انتفاضه طبعاً متوقف می شود. اما در اثر اقداماتی مانند تخریب، اشغال، ویرانی خانه ها و مزارع، آدم کشی ها و دستگیری ها، و به کار گرفتن هواپیماهای جنگی و تانک ها و حکومت نظامی و گرسنه نگه داشتن مردم، انتفاضه متوقف نخواهد شد، بلکه برعکس، عشق به آزادی و استقلال از هر نیروی مسلحی قدرتمندتر است و دلیل آن این است که حکومت فاشیستی شارون در فرونشاندن انتفاضه و ایجاد امنیت برای سیاست اشغالگرانه ی اسرائیل شکست خورده است.

من مطمئن ام که انتفاضه بر اشغال پیروز خواهد شد و ارزش های آزادی، استقلال، عدالت و صلح که فلسطینی ها دارند بر ارزش های ستم، اشغال، بی عدالتی و جنگ افروزی اسرائیل غلبه خواهد کرد.

ترجمه: تراب حق شناس

16 اکتبر 2002

این مطالب در شماره ی 81 نشریه ی آرش چاپ شده است.